

روش‌شناسی «تفسیر من وحی القرآن»

فاطمه رجب محمد

چکیده

شیعیان از آغاز تاریخ، خود نقش چشمگیری در تبیین تفسیر وحی آسمانی (قرآن) داشته اند و تألیفات شیعیان در تفسیر بسیار زیاد است. یکی از این تفاسیر قرن معاصر که به قلم یکی از عالمان فرهنگ اسلامی به زبان عربی و با نثری شیوا نگاشته شده است، «تفسیر من وحی القرآن» نوشته محمدحسین فضل الله، مرد مبارز و نگهبان ایمان و پرچم‌دار پرچم حق خواهی لبنان است. ایشان قرآن را به عنوان یک پیام از طرف خداوند برای انسان می‌داند تا انسان را در زندگی فردی و اجتماعی به مطلوب برساند. از این رو فضل الله با یک دید اجتماعی- تربیتی به آیات قرآن می‌نگرد، و به تفسیر آیات می‌پردازد. سبک سیاق و هدف قرآن کریم، ایجاد جامعه و امتی مؤمن و آگاه است که در سراسر تفسیر ایشان می‌توان به این ویژگی پی برد.

تفسیر ایشان به دلیل نگرش هدایتی که دارد، کمتر از احادیث کمک گرفته و استفاده از آن خیلی غالب نیست. ایشان در تفسیر خود نگاه ویژه‌ای به تفسیر المیزان داشته است و قرآن را فقط مختص به فرهنگ و زمان نزول نمی‌داند، بلکه هدف از نزول آن را به تکامل رساندن بشر می‌داند. ایشان در سراسر تفسیرش می‌خواهد به انسان بفهماند که قرآن کتاب زندگی است؛ کتابی که چگونه زیستن را به ما می‌آموزد. از این رو با توجه به اجتماعی بودن تفسیر، نگرش مفسر یک نگرش واقع‌گرایانه و اجتماعی است و در صدد این نیست که فقط به تفسیر اجمالی و فضای نزول، اعراب کلمات و روایات بیان شده ذیل آیات بپردازد. بلکه به طور اجتهادی و با استفاده از عقل، به موضوعاتی که در جامعه امروزی مطرح می‌شود پرداخته است. او حتی از قصص قرآن نیز نکات تربیتی و اجتماعی فراوانی را استخراج می‌کند. ایشان به مسائل علوم قرآنی نیز که همواره در بین دانشمندان علوم قرآن جهان اختلاف نظر وجود دارد، همچون استاد گرانقدرش آیت الله خوبی توجه داشته است و نظرات خویش را به طور قاطع و با ذکر علت بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تفسیر، تفسیر اجتماعی.



مقدمه

تفسیر یکی از قدیمی‌ترین علوم در فهم معانی قرآن کریم است که خود دارای گرایش‌ها و روش‌های گوناگون است. و یکی از مبانی تفسیر، روش‌شناسی است. ساختارشناسی تفاسیر یک بحث جدید است که در حقیقت روش‌های تفسیری ناظر بر رویکرد مفسران به قرآن است، و اینکه مفسر با چه دغدغه و برای پاسخ به چه سوالاتی به تفسیر قرآن پرداخته است. این دغدغه‌ها می‌تواند موارد مختلفی باشد که به شرایط مکان و زمان و اینکه مخاطبین مفسر چه کسانی هستند و انگیزه مفسر از نوشتن تفسیر چیست، بستگی دارد. این‌ها همگی از مواردی هستند که مفسر را به رویکردهای مختلف سوق می‌دهند. به عنوان مثال برخی تنها با اتکاء به احادیث به تفسیر می‌پردازد، برخی فقط از عقل کمک می‌گیرند، و برخی دیگر، هم از احادیث و هم از عقل در تفسیر خود بهره می‌برند و روش‌شناسی تفسیر از این جهت که ما را با مبانی و افکار مفسر، امتیازات و کاستی و کمبودهای یک تفسیر آشنا می‌کند حائز اهمیت است. از این رو ما برآنیم که در این نوشتار به مبانی و نگرش محمدحسین فضل‌الله به تفسیر و قرآن بپردازیم.

زندگینامه مؤلف

سید محمد حسین فضل‌الله عالم نستوه و مجاهد لبنانی در سال ۱۳۵۴ق، در نجف اشرف به دنیا آمد. مذهب ایشان شیعه اثنا عشری است. یکی از امتیازات خاندان فضل‌الله این است که نسبت آنها به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد. این طایفه به «آل فضل» معروفند. سید فضل‌الله، مرد طرح و اندیشه، مرد قلم و نگارش، مرد شعر و ادب، بلند پایه و مقاوم، مجتهد و فقیه بوده است (مجله حوزه، ش ۲۵، ص ۳۹-۴۰؛ *المفسرون حیاتهم و منهجم*، ص ۷۵۳). سید فضل‌الله از همان دوران کودکی به خواندن و نوشتن و تلاوت قرآن علاقه داشت. او در نُه سالگی ضمن مطالعه برخی آثار تاریخی و ادبی به فراگیری مقدمات درس‌های حوزوی پرداخت. ایشان در تمام مقاطع زندگی از تهذیب نفس غافل نبود^۱ و سرانجام ۱۳ تیر سال ۱۳۸۹ در سن ۷۵ سالگی و بر اثر بیماری دار فانی را وداع گفت و شیعیان جهان را با وفات خود اندوهناک کرد.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

فضل‌الله از همان دوران جوانی به فعالیت‌های سیاسی روی آورد. و در کنار تشکیل حرکت سیاسی در عراق، حوزه علمیه‌ای به نام «المعهد الشرعی الاسلامی» و سپس مدرسه‌ای به نام «مدرسه القرآن الکریم» تأسیس نمود و اظهار کرد هدف از این کار حفظ و گسترش فرهنگ قرآنی است. در

لبنان سرپرستی حرکت اسلامی را عهده دار شد و در نخستین سال های تأسیس حزب الله، نام او با این تشکیلات ارتباط عمیقی یافت و اقتدارش باعث برانگیختن خشم دشمنان و مستکبران شد. که در نهایت تصمیم به برانداختن ایشان گرفتند، اما موفق نشدند. فضل الله با ایراد خطبه و سخنرانی و میزگرد سعی کرد که جوانان را آگاه کند. او با جلسات پرسش و پاسخ معارف مفید و آموزنده ای را در اختیار جوانان قرار می داد و علاوه بر این، خدمات فرهنگی فراوانی به افراد محروم و بی بضاعت ارائه نمود؛ همچنین مؤسسه های خیریه ای از جمله مبرالامام الخویی، مکتبه الخدمات الاجتماعیه و... را تأسیس کرده است. تسلط ایشان در معارف قرآنی و روایی باعث شجاعت و صلابت ایشان در برابر مخالفین شده و اغلب جنبش های سیاسی و اجتماعی لبنان با اندیشه های این متفکر شلعه ورمی شد (پژوهش های قرآنی، ش ۵۳، ص ۱۰۴-۱۰۳؛ مجله حوزه، ش ۲۵، ص ۴۵؛ نرم افزار جامع التفاسیر، نسخه ۲/۵).

اساتید

علامه فضل الله دروس مقدمات و سطوح را نزد پدر خود عبد الرؤف آموخت. بعد از آن در نجف اشرف از استادان بسیاری بهره برده است که به مهم ترین آنها اشاره می کنیم. آیت الله ابوالقاسم خویی؛ علامه از ایشان دو دوره کامل اصول فقه کتاب بیع و خیارات مکاسب کتاب تقلید و طهارت و بخشی از کتاب صلاة را فرا گرفته و اظهار می کند که بیشترین درس را نزد آیت الله خویی فرا گرفته است.

سید محمد روحانی؛ یک دوره بحث خارج اصول را نزد ایشان تلمذ کرد. شیخ مجتبی لنکرانی؛ تنها یک جلد کتاب کفایه اصول را نزد ایشان آموخت. سید محمود شاهرودی؛ به مدت دو سال از درس های خارج فقه و اصول وی بهره برد. البته اساتید علامه به همین تعداد محدود نمی شوند بلکه ایشان از اساتید برجسته بسیاری تلمذ کرد (مجله حوزه، پیشین، ص ۴۱؛ المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۷۵۴).

شاگردان

فضل الله در کشورهای مختلفی همچون نجف، لبنان، سوریه به تربیت افرادی همت گماشت. و آنان را به رشد فکری و سیاسی رساند که همواره هم گام با هم به فریاد علیه صهیونیسم برمی خاستند. تعدادی از شاگردان ایشان در همین حمله ها و دفاع از کیان اسلام به شهادت رسیدند. از معروفترین شاگردان ایشان می توان به سید حسن نصر الله، شهید سید عباس موسوی، شهید شیخ راغب، شیخ رضا و... اشاره نمود (همان سایت).

آثار

از سید محمد حسین تاکنون بیش از هشتاد و شش عنوان کتاب که در مجموع به بیش از یکصد جلد می‌رسد منتشر شده است. برخی از کتاب‌های ایشان مجموعه سخنرانی‌ها، و برخی دیگر تقریرات درس‌های خارج اصول و فقه است که به وسیله شاگردانش تنظیم شده است. آثار ایشان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. که از هر دسته به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- پژوهش‌های قرآنی: تفسیر من وحی القرآن، (در ۲۵ جلد)، اسلوب الدعوه فی القرآن، الحوار فی القرآن.

۲- مباحث فقهی و اصولی: فقه الشرعی (رساله عملیه ۳ ج)، المسائل الفقهیه (استفتائات و سؤالات فقهی)، المسائل الفقهیه (استفتائات و سؤالات فقهی) و... .

۳- اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی: قضایا علی ضوء الاسلام (شامل مقاله‌های ایشان در مجله الضوء که نجف اشرف انتشار می‌شد)، الفقه والامه که شامل نگرش بر اندیشه سیاسی امام خمینی است، و حرارات فی الفكر والسیاسه والاجتماع و... (آینه پژوهش، ش ۷، ص ۷۹).

انگیزه مؤلف

فضل الله در مقدمه کتاب خود به این مسئله توجه می‌کند که هدف از نوشتن این کتاب «بیداری جوانان» است. این نوشته‌ها مجموعه‌ای از مطالب و درس‌هایی بود که برای دانشجویان و طلاب دینی بیان می‌کرد. زیرا بر این باور بود؛ که قرآن کتابی است که هیچ‌گونه باطل در آن راه ندارد؛ چه در میدان اندیشه و چه در میدان واقعیت خارجی. از این رو از هرگونه تحریف به دور است. پس فرهنگ قرآنی اساسی‌ترین فرهنگ برای تغییر اندیشه‌ها و افکار است (تفسیر من وحی القرآن، ج ۱، ص ۲۳). او با این کار به دنبال این بود که برداشتی جدید از آیات قرآن داشته باشد و سبب شود تا امت اسلامی قرآن را در همه شئون زندگی و اجتماعی زنده بدارند و به کار گیرند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند (همان، ص ۲۷).

دیدگاه مؤلف در مورد قرآن و تفسیر آن

فضل الله قبل از اینکه به تفسیر قرآن بپردازد، در مقدمه کتابش به اهمیت قرآن و تفسیر آن اشاره دارد و در این زمینه سوالاتی را مطرح می‌کند که بیشتر بر خواننده تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال چگونه می‌توانیم قرآن را بفهمیم؟ آیا روش ویژه‌ای وجود دارد که آن را از دیگر کتابها متمایز کرد؟ آیا قرآن به عنوان کتاب روشنی که خداوند آن را برای انسان‌ها فرو فرستاده تا بر آنها حجت باشد، و آیات آن، مایه آگاهی و درک روحی و دینی آنها باشد، مطرح است؟ ایشان در جواب بیان می‌کند که قرآن کریم زیر بنای مفاهیم، احکام و اهداف اسلامی است (همان، ص ۶-۵).

قرآن کتاب هدایت است زیرا آیات، یک معنای کلی و فراگیر را درون خود نهفته دارند و هر زمان که مصادیقی همانند این مصادیق از نو پدید آید، این معنای کلی نیز در طی زمان تحقق مجدد می‌یابد، و این همان چیزی است که امام علی علیه السلام فرمودند:

اگر قرآن در شأن گروهی خاص نازل شده بود، با ناپدید شدن آنان در پشت پرده زمان، قرآن هم نابود می‌شد. لیکن قرآن بسان خورشید و ماه و شب و روز همواره در حرکت است تا الگویی برای نمایاندن اندیشه کلی باشد (همان، ص ۱۳).

بنابراین مهمترین عامل در مطالعه و تفسیر قرآن این است که انسان خود را در برابر کتابی ببیند که در زندگی اش جاری است، و روش و منش خویش را در قرآن جستجو کند (همان، ص ۲۶).

نگاه اجمالی به روش نویسنده در تفسیر

مفسر در ابتدای سوره‌ها، با ذکر نام سوره و احیاناً معنا و وجه تسمیه آن آغاز می‌کند و در ادامه، مکی یا مدنی بودن را به همراه تعداد آیات آن ذکر می‌نماید (همان، ج ۲۲، ص ۱۴۰ و ص ۲۵۰). مفسر چون یک دید هدایتی دارد، مباحث اعراب را جز در مواردی که اختلاف دارد، مطرح نکرده است (همان، ج ۸، ص ۶۸). تفسیر بسم الله... را فقط در ابتدای تفسیر خود ذیل سوره حمد می‌آورد. او در ابتدای سوره‌ها فصلی به نام «فی اجواء السوره» آورده که در توضیح خطوط کلی آیات سوره که بر آن دلالت دارند، است. سپس به تفسیر دسته‌ای از آیات می‌پردازد. در این بخش، بحثی اجمالی حول برخی مفردات آیات، آورده و در خصوص لغات مشکل آیه توضیحاتی را ارائه می‌دهد؛ البته لغات را ساده معنا کرده و به ریشه آنها اشاره‌ای ندارد و بیشتر لغات را خود معنا می‌کند. در مواردی نیز به ندرت به کتب لغت ارجاع می‌دهد. او در این زمینه از کتاب مفردات راغب اصفهانی بهره برده است؛ البته علاوه بر این، از برخی تفاسیر مانند مجمع البیان نیز برای معانی لغات بهره برده است (همان، ج ۱۶، ص ۱۴۵؛ ج ۱۰، ص ۱۵۲). روش او بدین صورت است که بحثی را بعنوان «مناسبة النزول» در شأن نزول آیات مطرح نموده و سپس به تفسیر آیات می‌پردازد، در انتها نیز نتیجه‌گیری از آیات را در قالب «استیحاء» یا «ایحاءات» مطرح می‌کند که غالباً نتیجه‌گیری او تربیتی و یا اجتماعی و متناسب با شرایط روز مسلمانان است.

فضل الله تا حدودی به آیات دیگر نیز استناد می‌کند. برخی آیات به صورت مجمل بیان شده و آیه‌های دیگر آن را بیان و اشارات آن را روشن کند (همان، ج ۱، ص ۳۳۳). مؤلف در توضیح آیات و تحلیل مسائل اعتقادی و اجتماعی به تفسیر المیزان توجه تامی دارد. علاوه بر استفاده از آن، دیدگاه علامه را نقد می‌کند (همان، ج ۳، ص ۲۰۰). ایشان مسائل مرتبط با عقاید و کلام را بدون بسط و تفصیل می‌آورد. و آن را با قواعد موافق مذهب امامیه منطبق می‌کند (المفسرون حیاتهم و

منهجهم، پیشین، ص ۷۵۸). البته در برخی آیات وارد بحث کلامی می‌شود (فضل الله، ج ۱، صص ۲۳۳ - ۲۳۰)؛ او در حد توان از اسرائیلات پرهیز نموده است (آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، ص ۳۷۸). غالباً روایت نمی‌آورد و در مواردی که آورده، روایات و احادیث مشکل را تبیین می‌کند و اگر صحیح نباشد بسیار منطقی آن را رد می‌کند (فضل الله، ج ۳، ص ۲۱۶). رنگ تربیتی بر تفسیر او غلبه دارد و توجه خاص به جایگاه انسان در حالات مختلف دارد و سعی وافری در تبیین تعامل انسان با محیط طبیعی و اجتماعی او از خود نشان می‌دهد.

رویکرد فقهی

فضل الله در تفسیر آیات فقهی به همه اقوال اشاره نکرده، بلکه فقط در مواردی به طور خلاصه آن را مطرح کرده است (همان، ج ۳، ص ۲۱۶). برای روشن شدن مطلب ارجاع به آدرسی نمی‌دهد، این نشان می‌دهد که ایشان در صدد این نبوده است که مانند کتب تفسیری دیگر، که روایات مختلف را با ذکر آدرس می‌آورند و اقوال را نیز مطرح می‌کنند و در نهایت نظر صحیح را بیان کنند، عمل کند (القرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر، الجامع الاحکام القرآن، ج ۱، ص ۶۳۴). از این رو باید گفت ایشان نگاه فقهی نداشته که بخواهد اقوال مختلف را بیاورد، زیرا تفسیر ایشان رویکرد اجتماعی دارد. ایشان در آیات فقهی مثلاً ذیل آیه قصاص در باب قصاص ابتدا توضیحاتی را آورده، و بیان کرده این موضوع به دو بحث می‌پردازد: ابتدا احکام مربوط به قصاص را می‌گوید بعد به عفو قاتل اشاره می‌کند، (همان، ج ۳، صص ۲۱۶ - ۲۱۵) لذا باید گفت به طور تفصیلی مباحث احکام را بیان نکرده است. در این رویکرد به تشریح فلسفه احکام پرداخته است. و در ذیل همین آیات، به مباحث اجتماعی توجه دارد و بحث عقل و اراده را به میان می‌آورد؛ او چنین بیان می‌کند: آدمی نباید با احساسات و عواطف تصمیم‌گیری کند، بلکه با علم و تجربه و عقل حرکت کند؛ در این صورت نه تنها برای خود نتایج مطلوبی دارد، بلکه برای جامعه خود نیز مفید است. در پایان تفسیر آیات فقهی به شبهات مطرح شده پاسخ می‌دهد و سعی می‌کند، از آیاتی که احکامی را مطرح کرده‌اند، نکات تربیتی و آموزنده را به گونه‌ای که برای جامعه مفید باشد، کشف کند (همان، صص ۲۱۹ - ۲۱۸). در مبحث احکام، یک ضعف در این تفسیر دیده می‌شود که خواننده را دچار سرگردانی می‌کند؛ مثلاً در باب تیمم، تیتری با عنوان «التیمم و الطهاره» می‌آورد، که اگر خواننده‌ای بخواهد در مورد تیمم مطالبی را بداند با مراجعه به فهرست مطالب به این قسمت رجوع می‌کند، در حالی که ایشان در این قسمت از همه چیز سخن گفته، به غیر از تیمم (فضل الله، پیشین، ج ۹، ص ۶۵). البته نمی‌توان گفت به طور مطلق همواره این گونه عمل کرده است. در نتیجه به نظر می‌رسد؛ که مؤلف در این قسمت به دنبال این نبوده که اختلاف نظر فقها و اقوال مختلف را بیاورد، بلکه در صدد این بوده که نکات تربیتی و اجتماعی از ذیل آیات استخراج کند.

رویکرد اجتماعی^۱

جامعه انسانی و اندیشه بشری همواره در توسعه و تکامل روز افزون است. و هر روز از مجهولات انسان کاسته می‌شود. مسائلی چون قضا و قدر، روابط اجتماعی، حقوق متقابل و مسائلی بوده‌اند که همواره فکر آدمی بدان مشغول بوده و از دین خواسته تا نگرانی او را در این گونه مسائل برطرف سازد. صاحب تفسیر من وحی نیز با این دید که قرآن مسلماً به پرسش‌های فراوانی پاسخ خواهد داد، به تفسیر قرآن پرداخته است. به عنوان مثال در ذیل این آیه می‌فرماید:

﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ (رعد / ۱۱).

نویسنده در تفسیر خود اصلاً به دنبال آوردن روایات نیست، تا بخواهد با توجه به گفته‌های معصومین^ع به نتیجه‌ای برسد، بلکه به صورت اجتهادی به نکاتی از آیات اشاره می‌کند. تفسیر او سرشار از نکات و مسائل مربوط به زندگی است. در ذیل آیه‌ای که گذشت، بیان می‌کند خداوند برای انسان عوامل و عناصری قرار داده که تمام جوانب انسان را احاطه می‌کند؛ این سنت الهی است که خداوند عناصری چون حمایت و دفاع را در نفسش قرار داده است تا انسان احساس نگرانی و ضایع شدن در مقابل خطرات را نداشته باشد. ایشان بر این عقیده است که تغییر اجتماعی در گرو تغییر درونی است. می‌گوید انسان با فعل و اراده خود به سوی تنوع حرکت می‌کند. به تعبیر دیگر این اصل قرآنی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند پس انسان سازنده شرایط است. مفسر در تفسیر این آیه می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد که سرنوشت براساس جبر است یا اختیار؟ او به دنبال بیان این نکته است که مقدرات، قبل از هر چیز و هر کس در دست خود انسان است. لذا می‌بینیم قرآن کریم در محدوده ویژگی‌های تاریخی مورد نزولش از حرکت باز نمی‌ماند بلکه امتداد می‌یابد تا تمامی نمونه‌های زنده را در بستر زمان فراگیرد (فضل الله، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۷).

در این رویکرد، مفسر به پرسش‌هایی که در مورد انسان مطرح می‌شود پاسخ می‌دهد. نگرش فضل الله با توجه به این که در یک شرایط بحرانی قرار دارد، نسبت به دیگر مفسران که با همین رویکرد به تفسیر پرداخته متفاوت است.

به عنوان مثال: ابن عاشور در ابتدا ترکیب جملات و نقش کلمات را بیان می‌کند و سپس به آیه دیگر استناد می‌کند و در همین حد در مورد آیه سخن می‌گوید (ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر والتنویر، ج ۱۲، ص ۱۵۳).

۱. در این رویکرد مفسر به دنبال این است که قرآن را کتاب زندگی بداند از این رو نکات تربیتی بسیاری از آیات استخراج کرده، از این جهت برای روشن شدن این رویکرد لازم است که تا حدودی به تفسیر آیه پرداخته شود.

نویسنده دیگری در تفسیر این آیه، نخست در قسمت نکته‌ها، ادبیات و قواعد کلمات را بیان می‌کند و می‌گوید مراد از «امر الله» هر عذاب الهی نیست؛ در روایات نیز به این امر اشاره شده؛ اما روایات را نمی‌آورد و در نهایت پیام‌هایی که از این آیه برداشت می‌شود را بیان کرده و می‌گوید اراده خداوند بالاتر از همه اراده‌هاست (همان، ص ۶-۵).

مفسر دیگر که با همین رویکرد اجتماعی به تفسیر می‌پردازد، فقط دیدگاه مفسران را بیان می‌کند و نظر آنان را رد می‌کند، و بیان کرده این آیه اشاره به تعالیم اسلام دارد (مغنیه، جواد، تفسیر کاشف، ج ۴، ص ۳۸۶).

و در جایی دیگر اصلاً بحث را توضیح نداده و اجمالاً به معنای آن اشاره کرده است (اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۸۲).

لذا علامه می‌خواهد بگوید قرآن کتاب هدایت است نه به این معنی که فقط برای سر سفره عقد و روی طاقچه برای زینت باشد، بلکه نکات اجتماعی و تربیتی در آن نهفته است (فضل الله، پیشین، ج ۱، ص ۲۵).

در آیه‌ای دیگر بیان کرده است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل / ۱۱۲).

نویسنده در ذیل این آیه بیان می‌کند که آوردن مثل‌ها برای عبرت است، یعنی بر این امر اشاره دارد که این آیه مثل است و قرآن از این اسلوب استفاده کرده است. علامه فضل الله مانند دیگر مفسران به دنبال بیان کردن شأن نزول نمی‌باشد، که بگوید منظور از قریه کدام سرزمین است، بلکه با توجه به نکره بودن قریه، آن را عام می‌گیرد. ایشان هدف از آوردن مثل را راهی می‌داند برای رسیدن انسان از میان رعب و وحشت به سوی امن و اطمینان، یعنی صور خیالی رعب و وحشت به معانی خیر و امن تغییر یابد، و معانی آن شیرین‌تر و زیباتر شود. در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که جامعه امروزی دوست دارد در امنیت، اطمینان، و بدون ترس، استرس و اکتفا ذاتی در خوردن و پوشیدن و... زندگی کند. در حقیقت مفسر می‌خواهد در اینجا به مسائل نامنی در لبنان اشاره کند؛ برای این هدف موضوع را این‌گونه شروع می‌کند که چرا افرادی که در امنیت و اطمینان و دور از استرس و با ارزش روحی و مادی و معنوی در موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زندگی می‌کنند، شکر خداوند را به جا نمی‌آورند و به دنبال تجاوزند و گرایش به باطل پیدا می‌کنند؟ ایشان به خوبی مسائل جامعه‌اش را مطرح کرده و به افرادی که راه باطل را در پیش گرفته‌اند اشاره می‌کند. فضل الله بر این عقیده است که این عاقبت عمل نیست، بلکه نتیجه طبیعی خود انسان به طور تمام بوده و سبب و اسباب این کار خود انسان است (فضل الله، پیشین، ج ۱۳، صص ۳۱۳-۳۱۲).

لذا انسان باید روش و منش خویش را در قرآن بیابد زیرا خداوند سبحان، قرآن را همچون نوری برای بشریت عرضه کرده است. پس سزاوار است که فهم ما از قرآن در هر شرایط از زندگی صلح، جنگ، چه در مسائل مورد ابتلاء اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، فهمی جاری و متحرک باشد. زیرا قرآن به مانند به کتب آسمانی دیگر یکباره نازل نشده، بلکه نزول تدریجی داشته تا تجربه همراهی با یک کتاب وحی را برای یک دوره زندگی به انسان‌ها بیاموزد. علامه فضل الله اظهار می‌کند ما زمانی به فهم واقعی و کارآمد از قرآن می‌رسیم که واقعیت‌های زندگی را براساس مفاهیم قرآن شکل دهیم (بینات، ش ۱۸، ۱۳۷۷، صص ۱۱۲ - ۱۱۱).

لذا از آیه ذکر شده اینگونه برداشت می‌کند که انسان خودش در سرنوشت خود دخل و تصرف دارد. یعنی اگر انسان در این دنیا به باطل جواب منفی دهد و آن را سلب کند، در آخرت جواب مثبت می‌گیرد و اگر انسان به دنبال باطل و ایجاد فساد باشد مانند صهیونیسم، در آخرت نتایج عمل خود را می‌بیند. پس به طور وضوح می‌توان دید که تفسیر ایشان اجتماعی است. و به مسائل روز اشاره کرده است (فضل الله، پیشین، ج ۱۳، ص ۳۱۳).

در جایی دیگر نویسنده با توجه به مسائل روز آیه را این گونه تفسیر می‌کند:

﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ...﴾ (بقره / ۲۱۹).

نویسنده ابتدا نظر اسلام را در مورد خمر و میسر بیان کرده است.

معتقد است که این یکی از مشکلات بزرگ اجتماع است، که مفسد اخلاقی و اقتصادی فراوانی را به همراه خواهد آورد.

استفاده از آن، جلوی رشد عقلی و روحی در زندگی را می‌گیرد.

در ادامه به آرای دیگر مفسران در این زمینه اشاره دارد؛ نظر علامه طباطبایی را ذیل این آیه آورده و آن را رد می‌کند.

فضل الله می‌گوید: اگر «إِثْمٌ» را به «ضرر» یا به چیزی که زیان آور است تفسیر کنیم، آیه در مقام نشان دادن اساس و علت تحریم است که زیان آن بیشتر از سود آن است.

استخراج این قاعده از آیه که هر چیزی زیانش بیشتر از سودش باشد حرام است.

پزشکان نیز به این نتیجه رسیده‌اند که استعمال دخانیات بسیار ضرر دارد (فضل الله، پیشین، ج ۴، صص ۲۲۹ - ۲۲۰).

در این رویکرد با توجه به تفسیر آیه می‌توان نتیجه گرفت که مفسر سخت بر این نکته تأکید می‌کند قرآن ویژه مردمان یک عصر نیست و سعی دارد که مفاهیم قرآن را آن گونه که است بر مردم عرضه کند. او نیازهای واقعی عصر حاضر را بیان کرده و بر این امر واقف است که قرآن بسیاری از مطالب مربوط به زندگی اجتماعی و فردی بشر را بیان کرده است.

در ذیل این آیه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ...﴾
(احزاب / ۵۹).

این آیه مسئله حجاب را مطرح می‌کند و با توجه به اینکه فضل الله قرآن را کتاب زندگی می‌داند به مسائلی که امروز مطرح است، می‌پردازد. دیدگاه معترضین بخصوص در محلی که ایشان زندگی می‌کند را مطرح کرده است. به عنوان مثال از طرف صهیونیسم‌ها شبهاتی مطرح می‌شود که اسلام را زیر سوال می‌برد. مثلاً آنها می‌گویند اسلام به دنبال کار کردن شخصیت زن است، اسلام را متهم به زیاده روی در امر پوشش می‌کنند و می‌گویند با وجود این که خداوند زیبایی را آفرید، اما اسلام با محرومیت باعث ایجاد عقده‌های روانی می‌شود. و می‌گویند عفت زمانی ارزش دارد که موجب عدم انحراف و در عین حال برانگیختن غریزه شود، در حالی که اسلام عفت را فرار از غریزه معنا کرده است. و حجاب باعث سرکوفت شدن غرایز می‌شود و با حجاب، مردان حریص‌تر می‌شوند (فضل الله، پیشین، ج ۱۶، صص ۲۹۳ - ۲۸۹).

مؤلف با یک نگرش اجتماعی و تربیتی، آیه را مطابق با فرهنگ زمانه بیان کرده تا نسل نو ظهور، تحصیل کرده و روشن فکر بتوانند با فرهنگ اسلام آشنا شود، و به وجوه بلاغت قرآن پی ببرند. او می‌نویسد که اسلام نه تنها شخصیت زن را درهم نمی‌شکند، بلکه بر حالت طبیعی و انسانی او تأکید می‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که ایشان به خوبی از آیات قرآن بهره گرفته، و نکات مهمی را در مسئله حجاب مطرح کرده اند؛ از جمله به پوشش شرعی اشاره کردند و به این آیه استناد می‌کنند:

﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾ (نور / ۳۱).

او بیان می‌کند که منظور آیه، اظهار نکردن موضع‌های زینت است. او آیه را با توجه به دغدغه‌هایی که در بین فقها مطرح است تفسیر کرده است. مثلاً به چگونگی حکم فردی که چشمش را سرمه می‌کشد و یا حنا به انگشتان می‌کند و لباس بدن نما می‌پوشد، اشاره می‌کند. ایشان فقط به ظاهر آیه توجه نمی‌کند بلکه به بطن آن نیز توجه دارد و حجاب را تنها به معنای پوشاندن نمی‌گیرد بلکه می‌گوید: حجاب نوعی خود آرایی نکردن است. برای گفته خود استناد به آیه ﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجُ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب / ۳۳) می‌کند.

در این راستا ایشان به عقیده بسیاری از مخالفین که به این آیه استناد می‌کنند که خداوند فرموده: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» زن نباید در اجتماع باشد، و مشغول فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شود، چنین پاسخ می‌دهد: این افراد به قسمت دوم آیه توجه نکرده‌اند؛ قرآن فرموده زنان به شیوه جاهلیت از خانه خارج نشوند، نه اینکه اصلاً خارج نشوند (فضل الله، پیشین، ج ۱۸، ص ۲۹۸). براین اساس نویسنده در نقد و بررسی برخی دیدگاه‌های مفسران که فقط ظاهر آیات را معیار قرار می‌دهند، پرداخته است.

او در ادامه بیان می‌کند که اسلام می‌خواهد زن با لباسی مناسب از منزل خارج شود و در جامعه به گونه‌ای باشد که شأن زن بودنش را رعایت کند. عفت یکی از مباحث تجربه است. انسان منشأ تربیت است و این تربیت است که ما را از سقوط نجات می‌دهد. اسلام می‌خواهد بین عفاف و نگاه کردن یک ارتباط برقرار کند. و در جامعه‌ای که مرد و زن زندگی می‌کنند یک رابطه متوازن ایجاد کند. در نهایت ایشان حجاب اسلامی را فریضه‌ای دینی می‌داند و آن را یک نماد و شعار نمی‌داند (فضل الله، پیشین، ج ۱۶، ص ۲).

لذا با توجه به تفسیر ایشان در این آیه، روشن است که قرآن به مسائل اجتماعی با زبانی رسا پرداخته است که با توجه به نیاز و تقاضاهای زمان نیاز به استنباط دارد.

براین اساس، به طور قطع مسلم است آراء مفسری که در فضایی ساکن و بی‌تحرك به تفسیر می‌پردازد با اندیشه‌های مفسری چون فضل الله که در موقعیت بحرانی لبنان بسر می‌برد و مخالفین به دنبال ایراد گرفتن از اسلام و براندازی حکومت هستند، بسیار متفاوت است. از این رو به دید مفسرین دیگر در این آیه پرداخته می‌شود تا روشن شود نویسنده با چه نگرشی به تفسیر آیات می‌پردازد.

در تفسیر «المنیر» ذیل آیه (احزاب / ۱۵۹) ابتدا به مفردات آن می‌پردازد. در گام بعدی سبب نزول آیه را بیان می‌کند در قسمت «تفسیر و بیان» به توضیح و تفسیر آیه و احکام آن و نیز فلسفه اینکه چرا زنان باید چادر بپوشند پرداخته است؛ البته به همین اندازه اکتفا می‌کند (التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج، ج ۱۲، ص ۱۰۶). علامه طباطبایی به طور مفصل بحث را توضیح می‌دهد و بیان می‌کند پوشیدگی نشان می‌دهد که فرد مسلمان است یا غیر مسلمان، و در نهایت به روایات تمسک می‌جوید (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۵۵). در تفسیر من هدی القرآن مؤلف ابتدا معنای واژه‌ها را بیان می‌کند. رهنمودهایی از آیه را می‌گوید در گام بعدی به شرح آن می‌پردازد، و احکام را بیان کرده، حدود شرعی آن را نیز شرح می‌دهد (من هدی القرآن، ج ۱۰، ص ۳۸۷). در اطیب البیان ابتدا با یک روایت شروع به تفسیر می‌کند، سپس به توضیح آن می‌پردازد و آیه‌هایی که تفسیرش مشکل نباشد را تفسیر نمی‌کند، و می‌گوید تفسیر آن واضح است (اطیب البیان، پیشین، ج ۹، ص ۵۲۱).

لذا با مقایسه‌ای بین نگرش مفسرین ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که دغدغه نویسنده در این تفسیر مسائل اجتماعی روز می‌باشد، و درصدد این است که آیات را با توجه به نیازهای حاضر تفسیر کند.^۱

۱. به علت جلوگیری از اطناب از ذکر آوردن نمونه‌های دیگر خوداری می‌شود، برای آشنا شدن با نگرش نویسنده می‌توان به تفسیر ایشان بخصوص آیات اجتماعی مراجعه کرد. از جمله آیات مورد نظر؛ نساء/ ۱۴۱، ۳، شوری/ ۳۸، آل عمران/ ۱۵۹.

با توجه به آنچه مختصراً بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که دید مفسر یک دید واقع‌گرایانه و اجتماعی است، و به دنبال آن نیست که تنها به تفسیر اجمالی، فضای نزول، اعراب کلمات و روایات بیان شده ذیل آیات اشاره کند، بلکه به طور اجتهادی و با استفاده از عقل، به موضوعاتی که در جامعه امروزی مطرح است، می‌پردازد. زیرا قرآن را کتاب زندگی می‌داند.

نگاه مؤلف به داستان‌های قرآنی

قصه قدمتی کهن دارد؛ همواره همراه زندگی آدمی بوده و ابزاری برای ایجاد ارتباط است. آموزش از طریق قصه نیز همواره همراه دین بوده است. از این رو دین بسیاری از تعلیمات خود را در قالب داستان بیان نموده تا اندیشه‌ها و افکار را بگستراند و قرآن خود به این امر اشاره کرده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿... فَأَقْصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (اعراف / ۱۷۶).

فضل الله داستان‌های قرآن را بسیار زیبا ترسیم می‌کند؛ او اسرائیلیات را نمی‌پذیرد بنابراین آنان را نمی‌آورد. فضل الله بر این عقیده است که داستان‌ها در قرآن به خاطر اهدافی آمده‌اند و برای رسیدن به این مسیر حرکت می‌کنند. مثلاً قرآن کریم با نقل داستان‌ها، بسیاری از مسائل را مطرح می‌کند و نقل داستان‌ها فقط به این منظور نیست که بخواهند به گذشته توجه کنند و جنبه تاریخی آن را مورد بررسی قرار دهند، بلکه صورتی از واقعیت را بیان می‌کنند و همه آن‌ها در مسیر هدایت و نور قرار می‌گیرند (فضل الله، پیشین، ج ۸، صص ۱۲۹ - ۱۲۷، ج ۱، صص ۲۲۶ - ۲۲۴). برای روشن شدن مطلب می‌توان به داستان هابیل و قابیل اشاره کرد.

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ ...﴾ (مائده / ۳۱).

علامه بعد از این که ماجرای دو برادر را شرح می‌دهد، می‌گوید: نقل این داستان کوتاه در چارچوب گفتگوی کوتاه، ترسیم روشنی است از صورت فرد نیکوکار و بدکار تا انسان را با اندیشه فرد نیکوکار آگاه کند و فرد را از هرگونه کار ناشایست دور سازد.

پس می‌توان گفت نگاه علامه حتی در داستان‌ها هم یک نگاه اجتماعی است؛ بسیار زیبا نکات تربیتی را از آن استخراج می‌کند و می‌گوید ارزش طرح این داستان در قرآن در تأثیر روحی آن بر ضد گناه و گناهکار می‌باشد، به صورتی که آن در رفتار کلی انسان، خواه در عمل و یا در داوری نسبت به اعمال دیگران اثر می‌گذارد (فضل الله، پیشین، ج ۸، ص ۱۳۷).

از آنجایی که تفسیر ایشان اجتماعی - تربیتی می‌باشد در نهایت به دو نتیجه می‌رسد:

۱. بُعد تربیتی: زمانی که این داستان به یک نمایش نامه تبدیل شود، خود اسلویی از اسالیب تربیت می‌باشد و می‌توان آن را یکی از قصه‌های دینی - تربیتی برای اطفال و جوانان دانست به طریقی که با ذهنیات تصویری زنده، با این صورت متناسب باشد. حتی امروزه هم به این مسئله

اشاره دارند که آنقدر که رسانه‌های جمعی با ساختن فیلم و سریال می‌توانند در بُعد تربیتی و مذهبی نقش داشته باشند، دیگر ابزارها نمی‌توانند.

۲. این داستان هم می‌تواند پیام دهنده راهکارهایی باشد در رابطه با گناه و گناهکار در همه جنبه‌ها مانند قتل، سرقت، زنا، ظلم و ضایع شدن حقوق مردم، و هم اینکه خود، یکی از اسلوب‌های قرآنی است که دیگران به دنبال آن حرکت کنند و از آن الهام گیرند و به آن فکر و اسلوب عمل کنند، نه اینکه فقط بخوانند. لذا ما باید از این اسلوب‌های قرآنی در زندگی شخصی خود بهره بگیریم تا به موفقیت و کمال نائل شویم (همان، ص ۱۳۸).

پس به نظر می‌رسد مفسر می‌خواهد از طریق قصه تأکید بر برخی مفاهیم تربیتی عام در زندگی عملی انسان کند، مفسر به دنبال تعریف داستان نیست، بلکه می‌خواهد پیام‌هایی را از بیان داستان نتیجه‌گیری کند.

نویسنده در قصه طالوت و جالوت، ذیل این آیه؛ «إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا...» (بقره / ۲۵۲-۲۴۶) ابتدا مسئولین را مورد توجه قرار می‌دهد و به آنان تذکر میدهد که فقط باید در راه خدا کار کنند. مسئولین باید در برابر افرادی که احساساتی و بی‌پروا با هیجان اعلام آمادگی برای جنگ می‌کنند، با حکمت و هوشیاری برخورد کنند. در نگاه نویسنده هر گاه رهبری خردورز در بین آنها باشد، ولیکن به آن توجه نداشته باشند، باید با آنها قاطعانه برخورد کرد و به صورت گفت و شنود و آزمایش افراد خالص را از ناخالص تشخیص داد. به باور نویسنده ارزش گفت‌وگو در این داستان این است که همه احساسات و اموال دو گروه را از میان موضع‌گیریهای ثابت و غیر ثابت که درک آن در آوردن یک گزارش ممکن نیست، به نمایش درآوریم (فضل الله، پیشین، ج ۴، صص ۳۸۸-۳۸۵).

مفسر در داستان‌های قرآنی، به دنبال این نیست که فرد مصداقی آن را پیدا کند؛ مثلاً در آیه «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ...» (یس / ۲۰) در صدد بیان این نیست که چه کسی بوده است، بلکه می‌خواهد بگوید نیک سیرتی در مؤمنان موجب می‌شود تا دیگران را در ثواب و اجر خود شریک بدانند (فضل الله، پیشین، ج ۱۹، صص ۱۴۴-۱۳۹).

لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مفسر از آنجایی که نگرش اجتماعی و یک دید هدایتی دارد، هدف از بیان قصه‌ها را پیام‌گیرهای تربیتی می‌داند که در داستان‌های مختلف قرآن از آن بهره می‌گیرد؛ او در ذکر قصص اصلاً وارد خرافات نمی‌شود و دنبال آن نیست که مجموعه‌ای از احتمالات را مطرح کند و دست به تأویلات بی‌پایه بزند زیرا قرآن را به عنوان کتاب طلسم یا به عنوان تبرک نمی‌داند بلکه آن را کتابی میدانکه چگونه زندگی کردن را به ما می‌آموزد.



رویکرد مفسر به مباحث علوم قرآنی

نسخ از نظر فضل الله

یکی از مباحث علوم قرآنی که دانشمندان بر سر آن اختلاف نظر دارند، مسئله نسخ است. عده‌ای قائل به نسخ در قرآن هستند و عده‌ای برعکس؛ افرادی که قائل به نسخ هستند، نیز در تعداد آیات نسخ شده اختلاف نظر دارند.

فضل الله نسخ را این‌گونه تعریف می‌کند: نسخ در مفهوم علمی به پایان آمدن حکمی در زمان معین است که به خاطر مصلحت از یک جهت، و از جهت دیگر بدین علت که انسان از مشکلاتی بسیار برخوردار است و برای حل مشکلات خود گاهی به ناچار باید مسیرش را تغییر دهد می‌باشد؛ از این رو اسلام در تشریح احکام، گاهی مسئله نسخ را بیان می‌کند (فضل الله، پیشین، ج ۷، صص ۱۸۶ - ۱۸۴). البته فضل الله نسخ در تمام آیات را قبول ندارد، بلکه معتقد است که فقط در برخی از آیات احکام نسخ شده است، مثلاً در این آیه ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...﴾ (نساء / ۲۴) مفسر بیان می‌کند برخی از علما قائل به نسخ این آیه شده‌اند، اما اقوال را نمی‌آورد. و نظر خودش را می‌گوید: اصلاً در این آیه نسخ صورت نگرفته، بلکه این نسبت خاص به عام است و از جهت دیگر هیچ رابطه ناسخ و منسوخی در بین آن نیست (فضل الله، همان).

لذا می‌توان نتیجه گرفت صاحب تفسیر من وحی فقط قائل به نسخ در برخی از آیات مربوط به احکام است. ایشان می‌گوید: نسخ در حکم، نه در تلاوت، و آن هم در شریعت، نه در قرآن، و آن هم در برخی از آیات مربوط به احکام صورت می‌گیرد (فضل الله، همان، ج ۴، ص ۹، ۳۶۹؛ ج ۲، ص ۱۵۶).

سبب نزول

مفسر معتقد است که همه آیات یک سبب نزول عام، و برخی سبب نزول خاص دارند. ایشان در برخی از آیات به سبب نزول آن آیات اشاره کرده، البته به روایات ضعیف اعتماد نمی‌کند و بیشتر سبب نزول‌ها را از کتاب واحدی نقل کرده است. بحث سبب نزول در این تفسیر به دو گونه است؛ گاهی نویسنده فقط به اینکه آیه سبب نزول دارد کفایت کرده است، به عنوان نمونه در ذیل آیه ﴿الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ...﴾ (انفال / ۶۶) بیان می‌کند که در تفسیر المیزان نیز به این حکم اشاره شده، البته آن حکم را نیز آورده، و به این حد کفایت کرده است (فضل الله، پیشین، ج ۹، صص ۱۶۴؛ ج ۱۰، صص ۴۲۹؛ ج ۱۶، صص ۲۷۱). در بخشی از آیات برای بیان سبب نزول آیه، با عنوان «سبب نزول و مناقشه» بحث را شروع کرده است. به نظر می‌رسد ایشان در این روش از کتاب‌های درالمنثور و تفسیر قمی بهره گرفته و به نقد آن پرداخته است. به عنوان نمونه در رابطه با آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ...﴾ (ممتحنه / ۱) بیان می‌کند سبب

نزول این آیه مربوط به فردی است که طرح دوستی با مشرکان ریخته و نامه‌ای در این زمینه نوشته و خبر فتح مکه را به زنی داده که ببرد و... بعد می‌گوید این سبب نزول بیان شده به علت چند وجه قابل قبول نیست؛ اولاً با فضای سوره منطبق نیست؛ ثانیاً روایات ممکن صحیح باشد اما با قوانین اسلامی سازگار نباشد؛ او حتی پای عقل را به میان آورده و می‌گوید: ثالثاً اصلاً عقل آن را نمی‌پذیرد (فضل الله، پیشین، ج ۲۲، ص ۱۴۹).

لذا به نظر می‌رسد مؤلف در آیاتی که بحث «سبب نزول و مناقشه» را مطرح کرده، در واقع دعوای وارد شده بر سبب آن آیات را مطرح کرده و نقدی بر آن زده است، اما در آیاتی که جای بحث و جدل نیست، روایات را آورده و بیان کرده ما به دنبال سندسازی نیستیم؛ از این رو فقط اقوال مختلف را جمع آوری کرده و قول ارجح را پذیرفته است (همان، ج ۴، ص ۳۷۵). البته همیشه بر طبق این تقسیم‌بندی نیست بلکه در ذیل برخی از آیات دیده می‌شود که در تیتیر فقط سبب نزول نوشته است، اما روایات گونه‌گون را آورده و در توضیح و تکمله آن توضیح داده و نظر خودش را نیز آورده است (همان، ج ۶، صص ۳۸۰ - ۳۷۸؛ صص ۳۵۴ - ۳۵۲).

مکی و مدنی بودن سوره

فضل الله در مصاحبه با مجله «بینات» نظرش را در مورد مکی و مدنی بودن سوره این گونه بیان کرده است: نام گذاری سوره‌ها یا آیه‌ها به مکی و مدنی بودن، بدون شک به مکان نازل شدن سوره‌ها برمی‌گردد؛ اما آن چیزی که باعث شده مضمون و محتوای سوره‌های مکی را از مدنی جدا سازد این است که جو غالب در مکه، در مرحله دعوت مردم بسوی اسلام بوده است. بنابراین جهت‌گیری سوره‌های مکی درباره موضوعاتی است که به مبانی اعتقادی و گشودن درها در رابطه با خدا برمی‌گردد اما سوره‌های مدنی در بسیاری از جهت‌گیری‌های خود به موضوعاتی پرداخته اند که پیوند عینی با جامعه و مردم و قوانین اجتماعی و تشریحی دارد. زیرا سبک و روش قرآن با روش‌های آکادمی و سیستماتیک امروزی تفاوت دارد. و جنبه‌های اعتقادی با جنبه‌های قانونمندی، آمیختگی و پیوندی تنگاتنگ دارد. از همین رو نمی‌توان گفت که سوره‌های مکی به صورت مطلق فقط به جنبه‌های اعتقادی و سوره‌های مدنی فقط به جنبه‌های قانون‌گذاری پرداخته است. زیرا قرآن برای ساختن انسان نازل شده است، تا در همه ابعاد راهنمای او باشد. طبیعی است که نمی‌شود بخشی از قرآن را از بخش دیگرش جدا کرد. زیرا به وضوح دیده می‌شود هنگامی که قرآن از اعتقادات سخن می‌گوید، همزمان از آخرت و بهشت و جهنم نیز سخن گفته است. یا زمانی که از قانون تشریح سخن می‌گوید از پاداش نیک و عقاب هم سخن گفته است. بنابراین می‌توان گفت غالباً در سوره‌های مکی از جنبه‌های اعتقادی و ابعاد خوف و امید و تبیین ارزش‌ها و معیار جنگ و... سخن گفته است (شریعتی، جواد، بینات، ش ۱۹، ص ۱۱۸).

لازم به ذکر است که علامه فضل الله در ابتدای هر سوره به مکی و مدنی بودن آن اشاره کرده، و اگر یک آیه مدنی یا مکی در میان سورمکی یا مدنی باشد را بیان کرده است. به سخن دیگر برخی از دانشمندان معتقدند سوره یا مکی یا مدنی است. اما برخی معتقدند اگر سوره مکی باشد، ممکن است چند تا از آیه آن مدنی باشد و بالعکس، به عنوان مثال ایشان در معرفی فضای سوره زمر بیان کرده است که این سوره مکی است البته به غیر از سه آیه از آن که مدنی است (فضل الله، پیشین، ج ۱۹، ص ۲۹۳). در حقیقت این نشان دهنده آن است که ایشان به جمع بین این دو معتقد است.

حروف مقطعه

حروف مقطعه، حروفی هستند که در ابتدای برخی از سوره‌ها می‌آید. آراء و اقوال مربوط به حروف مقطعه بسیار است. صاحب تفسیر من وحی نیز چهار رأی را بیان کرده است:

۱. عده‌ای از علما آنها را رموز و اسراری می‌دانند که از تاریخ معینی تعبیر می‌کند و در دنیا منتهی می‌شود مانند بررسی برخی از حوادث که براساس حساب حروف ابجد تعبیر می‌شود. ایشان بیان می‌کند با این نظر موافق نیست به دلیل آنکه قرآن نازل شده است تا نگرانی مکلف را برطرف کند و هدف این است که برای شناخت و هدایت، از قرآن پیروی کند.
۲. در حقیقت این حروف، حروفی هستند که مردم را از آیاتی که پیامبر می‌خواهد قرائت کند آگاه می‌کنند؛ زیرا مشرکان در آن زمان مشغول همه‌همه و سخنان بی‌هوده بودند و دیگران را بدین طریق از شنیدن منع می‌کردند. لذا این الفاظ غیر معمول آمد تا مشرکان را ساکت کند.
۳. ایشان در دیدگاه سوم نظر علامه را مطرح می‌کند و می‌گوید حروف مقطعه با مضامین سور به طور خاص مرتبط هستند. مثلاً سوره اعراف که با «المص» شروع شده است، کل مضامین سوره در حرف «ص» نهفته است. همچنین آن را رموزی بین خدا و پیامبر می‌داند، اما ایشان این نظر را نیز نمی‌پذیرد، و می‌گوید قرآن کتاب زندگی و هدایت است.
۴. برای مطرح کردن رأی خود ابتدا مقدمه سازی نموده، و می‌گوید؛ همانا خداوند مردم را به تحدی با قرآن دعوت کرد. پس خواست بیان کند که هر کس از آوردن مثل آن عاجز است و این بلیغ‌ترین نوع تحدی است.

انسان عاجز خواهد ماند که قرآنی با این چینش حروف و مضامین بیاورد و در نهایت ایشان می‌گویند که اگر از سخنان الهی اطاعت کنیم و انس با کلام الهی بگیریم، آن را خواهیم چشید و گرنه در این گمان خواهیم ماند که علم خداوند را فقط راسخین در علم می‌دانند (همان، ج ۱، صص ۱۰۲ - ۱۰۰). پس با این تعبیر می‌توان حروف مقطعه را وجهی از وجوه اعجاز دانست.

اعجاز قرآن از دیدگاه فضل الله

اعجاز یکی دیگر از مباحث اصلی، زیبا و شگفت‌انگیز علوم قرآن است، که قرآن پژوهان و عالمان به آن توجه ویژه‌ای دارند و نظرات مختلفی در این زمینه ارائه داده‌اند. فضل الله نیز در ذیل آیات «۲۴-۲۳ سوره بقره» نظر خود را در مورد اعجاز بیان می‌کند که به اجمال به آن پرداخته خواهد شد: مفسر قبل از اینکه نظرش را بیان کند، ابتدا با توجه به ساختار و شکل ظاهری قرآن، برخی ویژگی‌های خاص را برای آن برمی‌شمارد و معتقد است که قرآن با دیگر متون متفاوت است. بلاغت، رسایی آیات، ایجاز، نظم، و اسلوب خاص قرآن را دلیل بی‌بدیل بودن قرآن برمی‌شمارد. ایشان بیان می‌کند این دو آیه اوج مبارزه طلبی را نشان می‌دهد. و در ادامه می‌گوید قرآن در تحدی مرحله بندی دارد.

در ابتدا از مشرکین می‌خواهد اگر می‌توانند مثل قرآن را بیاورند بدون آنکه مقدار آن را مشخص کند (اسراء / ۸۸). در گام بعدی آن را به ده سوره مشخص می‌کند (هود / ۱۴ - ۱۳). و در نهایت در سوره بقره به آوردن یک سوره تحدی کرده است (بقره / ۲۴ - ۲۳). ایشان معتقد است قرآن بدین ترتیب تمام راه‌های عذر مشرکین را بسته و بدین طریق به آنها می‌فهماند که قرآن ثمره بشری نیست که با آن مبارزه کنند (فضل الله، همان، صص ۱۷۴ - ۱۷۳).

ایشان معتقد است که راز بلاغت قرآن در اعجاز بیانی نهفته است به گونه‌ای که کلمه و جایگاه آن در جمله، دارای والاترین و برترین درجه هنرمندی و زیبایی و رسایی است. و معتقد است که همه جوانب کلمه، آیه، موضوع و حالتی که به انسان دست می‌دهد، در امتداد زندگی اوست و همه از هماهنگی کاملی برخوردار هستند. پس راز تأثیرگذاری قرآن معیارهای هنری و زیبا شناختی نیست، بلکه روحی پیچیده، بزرگ و شوق‌انگیز است که درون کلمات و حروف و معانی و اسلوب قرآن نهفته است؛ به گونه‌ای که انسان هنگام قرائت، آن را احساس کرده و با این روح معنوی اوج می‌گیرد (همان، صص ۱۷۷ - ۱۷۶).

ایشان ابتدا به وجهی از وجوه اعجاز که مفسران به آن معتقدند می‌پردازد، بعد نظر خودش را بیان کرده که قرآن به دو طریق با مشرکان روبه‌رو شده است:

۱. در یک نگاه کلی و اجمالی روش اول این گونه است؛ که قرآن با گفتگوی آرام و استدلالی با مشرکان مقابله کرده است که این وجه غالب قرآن است، در این روش قرآن مشرکین را از راه

استدلال وادار به پذیرش می‌کند. به عنوان مثال: آیات ۱۰۳ نحل، ۴۸ عنکبوت، ۵ فرقان، ۱۶ یونس، و... دلالت بر این اسلوب دارند (همان، صص ۱۸۴ - ۱۸۰).

۲. اسلوب دوم تحدی است. در این روش، قرآن مشرکین را به میدان بلاغت و بیان می‌طلبد. ایشان معتقد است که اعجازهای علمی و پیش‌گویی‌های قرآن از سنخ اول هستند و در آن به تحدی برنخاسته‌اند. زیرا که مشرکین به این امر واقف بودند که قدرت پیش‌گویی ندارند؛ پس تحدی کردن لزومی نداشت و باید تحدی با توان مخاطبین و شرایط زمانی و محیط نزول متناسب باشد (همان، صص ۱۸۵ - ۱۸۴).

لذا از نظر فضل الله تنها اعجاز بیانی است که در گسترهٔ هم‌اورد طلبی قرار می‌گیرد.

تفسیر من وحی از نگاه دیگران

تفسیر من وحی از جمله تفاسیری است که با رویکرد اجتماعی به تفسیر قرآن پرداخته است. می‌توان تفاسیر اجتماعی را نیز درجه بندی کرد. تفسیری ممکن است صد درصد اجتماعی باشد، و همهٔ شاخص‌های تفسیر اجتماعی را داشته باشد اما برخی ممکن است ضعیف‌تر باشند. در حقیقت مبانی و شاخص‌های رویکرد اجتماعی متعدد هستند.^۱ در این جا به نظر برخی از علما دربارهٔ این تفسیر به طور اجمالی اشاره خواهیم کرد.

آقای خرمشاهی در مورد تفسیر من وحی می‌گوید این کتاب از تفاسیر اجتماعی و حرکت زای دینی شیعه است که مفسر با بهره‌گیری ارشادی و تربیتی در میان گروهی از جوانان و علاقه‌مندان بازگشت به قرآن، القا کرده است. تفسیر من وحی، تفسیری علمی و استدلالی است که به نکات دقیق و حساس پرداخته شده است. و به برخی نیازهای انسان پاسخ می‌دهد. در حقیقت مفسر تلاش می‌کند تفسیری عصری مطابق با پرسش‌های جدید ارائه دهد (دانش‌نامهٔ قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۱، صص ۷۶۵).

آیت الله معرفت معتقد است: این تفسیر به خاطر سبک ادبی و امتزاج آن با سبک علمی ممتاز است. این اثر، تفسیری تربیتی - اجتماعی است که برخاسته از روح پرتوان و هوشیار و آگاه نویسنده نسبت به اسلام اصیل می‌باشد. پس صبغه‌ای تربیتی بر این تفسیر حاکم است. البته معنای اصطلاحی تربیت مد نظر است نه معنای لغوی آن؛ بنابراین تربیت با این معنا در ارتقا و تکامل انسان در تمامی زمینه‌های زندگی نقش خواهد داشت (تفسیر و مفسرون، ج ۲، صص ۵۰۲ - ۵۰۱).

۱. در اینجا مجال بحث از آن‌ها نیست، برای اطلاعات بیشتر به کتب مبانی و روش‌های تفسیر که در این زمینه به نگارش درآمده است می‌توان رجوع کرد.

ایازی نیز هم رأی با خرمشاهی است و می‌گوید این تفسیر با رویکرد اجتماعی است و در مواردی که نیاز به تحلیل و تقریب عقلی باشد، نویسنده به گونه‌ای خردورزانه به تحلیل آن می‌پردازد (شناخت‌نامه تفاسیر، ص ۲۶۳).

پس می‌توان گفت تفسیر من وحی، یک تفسیر اجتماعی - تربیتی است که نکات تربیتی و اخلاقی را بسیار زیبا در تفسیر آیات به تصویر کشیده است. این خود می‌تواند یادآور این باشد که قرآن، کتاب زندگی است. از آنجایی که مفسر در تلاش است که به امت اسلام بگوید قرآن را به عنوان کتاب هدایت و نه به عنوان تبرک بودن آن بخوانند و آن را در زندگی به کار گیرند تا به سعادت دنیوی و اخروی برسند. مؤلف برای تفسیر آیات با یک رویکرد هدایتی به آن نگاه می‌کند.

ویژگی‌های بارز تفسیر

هر تفسیری ممکن است با توجه به نگرش مؤلف و زمان نگارش آن دارای ویژگی‌های برجسته و ممتاز باشد، که در دیگر تفاسیر نباشد. تفسیر من وحی هم به علت چند خصوصیت ویژه قرن حاضر، از برجستگی والایی برخوردار است.

۱. نویسنده آن یک شخصیت علمی و فقهی، از شاگردان برجسته آیت الله خویی است و از برجسته‌ترین شاگردان حوزه بوده است که کتب فراوانی را تألیف کرده است. از این رو توانایی او در وصول به منابع و مراجع علمی بسیار می‌باشد زیرا استفاده هرکس از متنی مانند قرآن، بستگی به فعال بودن ذهن و میزان سوالهایی دارد که برای او مطرح است؛ بنابراین فعال بودن ذهن ایشان خود عاملی است که برداشت‌هایی از قرآن با توجه به احوالات روزگار خویش داشته باشد.

۲. لبنان پل ارتباطی فرهنگ‌های مختلف و مختلط جهان و دروازه فرهنگی شرق و غرب است به گونه‌ای که امروزه هزارن جلد کتاب از آنجا چاپ و نشر می‌شود. از آنجایی که صاحب تفسیر من وحی در لبنان ساکن و امام جمعه آن مکان و خطیب نامی مسجد رضوی بیروت بوده، و نیز در دوران حوادث و رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار داشته، تفسیرش از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است.

۳. علاوه بر موارد پیشین، لبنان به علت موقعیت خاص سیاسی و اجتماعی و حضور متفکران برجسته چون سید محسن جبل عاملی و امام موسی صدر و... و از طرفی جنگ و بحران و تنش‌های مختلف مذهبی تسنن و تشیع، خود به خود افراد را پرورش می‌دهد. بخصوص فضل الله که در مقام رهبری مردم قرار گرفته بود ایشان را به یک اندیشمند سیاسی و اجتماعی تبدیل کرد (طبقات مفسران شیعه، ج ۵، صص ۸۳ - ۸۲).

نسخ کتاب

تألیف این کتاب در سال ۱۳۹۹ پایان یافته و چندین بار به چاپ رسیده است (معرفت، پیشین، ص ۵۰۲). این تفسیر در چاپ نخست خود در ۲۵ جزء و ۱۱ مجلد در قطع رقعی توسط دارالزهراء بیروت در سال ۱۴۰۰ منتشر شد. بعد از آن چندین مرتبه همین چاپ افست شده است. این تفسیر به تازگی توسط دارالملاک بیروت در ۲۵ جلد همراه با فهرست موضوعی با تکمیل و اضافه نکات و توجه بیشتر به تفسیر المیزان (تا جلد ۱۰) این چاپ در قطع وزیری و در سال ۱۴۲۰ ق نشر یافته است (سیرتطور تفاسیر شیعه، ص ۲۰۷). باید خاطر نشان کرد که دو نسخه از این تفسیر گرانبها در دانشکده علوم حدیث موجود است. که علاقمندان می‌توانند به آن رجوع کرده و با نگرش مفسر بیشتر آشنا شوند.

نتیجه

- در این نوشتار به روش شناسی یکی از تفاسیر معاصر پرداخته شد و بدین نتیجه رسیدیم که:
۱. در ابتدا این تفسیر مجموعه درس‌هایی بوده که مفسر به شاگردانش می‌داده است.
 ۲. فضل الله با یک رویکرد اجتماعی و تربیتی به تفسیر آیات قرآن پرداخته است.
 ۳. مفسر قرآن را کتاب زندگی می‌داند و با این نگرش که امت اسلامی بیشتر با آن آشنا شوند به تفسیر پرداخته است.
 ۴. قرآن فقط مختص به فرهنگ و زمان نزول نمی‌باشد، بلکه هدف از نزول آن این است که بشر را به تکامل برساند.
 ۵. مفسر در تفسیر خود به تفسیر المیزان توجه ویژه‌ای داشته است و گاهی به نقد نظرات علامه پرداخته است.
 ۶. مفسر در تفسیر آیات فقهی در جستجوی یافتن فلسفه احکام است.
 ۷. ایشان در ذیل آیات مربوط به احکام، به رفع شبهات پرداخته است.
 ۸. با توجه به اجتماعی بودن تفسیر، نگرش مفسر یک نگرش واقع‌گرایانه و اجتماعی است و در صدد این نیست که فقط به تفسیر اجمالی، فضای نزول، اعراب کلمات و روایات بیان شده در ذیل آیات بپردازد بلکه به طور اجتهادی و با استفاده از عقل به موضوعاتی که در جامعه امروزی مطرح است، پرداخته است.
 ۹. مؤلف معتقد است که هدف از ذکر قصه‌ها در قرآن، گرفتن پیام تربیتی است، از این جهت به جزئیات نپرداخته، و از ذکر اسرائیلیات و خرافات دوری کرده است.
 ۱۰. در مسئله نسخ فقط به نسخ برخی از آیات احکام معتقد است.

۱۱. مفسر معتقد است که همه آیات یک سبب نزول عام دارند و برخی سبب نزول خاص دارند.
۱۲. نام گذاری سوره‌ها یا آیه‌ها به مکی و مدنی بودن، بدون شک به مکان نازل شدن سوره‌ها برمی‌گردد، و قائل به این است که هیچ تناقضی ندارد که در یک سوره مکی آیات مدنی نیز یافت شود. همچنین نمی‌توان گفت سوره‌های مکی به صورت مطلق فقط به جنبه‌های اعتقادی و سوره‌های مدنی فقط به جنبه‌های قانون‌گذاری می‌پردازند.
۱۳. از نظر مؤلف، حروف مقطعه بلیغ‌ترین نوع تحدی است.
۱۴. علامه فضل‌الله مهم‌ترین راز تحدی قرآن را اعجاز بیانی می‌داند و....



کتاب نامه

- آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، علوی مهر، حسین، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش .
- اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، طیب، سید عبد الحسین، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ش.
- التحریر و التئور، ابن عاشور، محمد بن طاهر، چاپ اول، بیروت - لبنان، ۱۴۲۰ هـ.
- التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، زحیلی، وهبة بن مصطفى، چاپ دوم، بیروت - دمشق، انتشارات دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ ق.
- الجامع الاحکام القرآن، القرطبی، محمد ابن احمد ابی بکر، چاپ اول، بیروت - لبنان، موسسه الرساله، ۱۴۲۷ هـ.
- الکاشف، مغنیه، محمد جواد، چاپ اول، تهران: نشر دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ ق.
- المفسرون حیاتهم و منهجهم، ایازی، محمد علی، تهران: فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۳.
- المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمد حسین، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
- تفسیر من وحی القرآن، فضل الله، محمد حسین، بیروت - لبنان، دار الملائک، ۱۴۱۹ هـ.
- تفسیر نور، قرائتی، محسن، تهران: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
- تفسیر و مفسرون، معرفت، محمد هادی، چاپ اول، قم: موسسه فرهنگی التهمید، ۱۳۸۰.
- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، خرمشاهی، بهاء الدین، چاپ دوم، تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۸۱.
- سلسله مسائل فقهیه، فضل الله، محمد حسین، عقایدیه و قرآنیة، چاپ اول، بیروت - لبنان، دار الملائک، ۲۰۰۱ م.
- سیر تطور تفاسیر شیعه، ایازی، محمد علی، چاپ سوم، تهران: انتشارات مبین، ۱۳۸۱.
- شناخت نامه تفاسیر، ایازی، محمد علی، تهران: انتشارات مبین، ۱۳۷۸.
- طبقات مفسران شیعه، بخشایشی عقیقی، عبد الرحیم، چاپ دوم، قم: دفتر نوید اسلام، ۱۳۷۷.
- من هدی القرآن، مدرسی، محمد تقی، چاپ اول، تهران: دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
- میسره فائده شیعی (سید فضل الله)، سنکری، جمال، چاپ اول، الساقی، ۲۰۰۸ م.
- آینه پژوهش، عظیمی، محمد جواد، «گفتگو با استاد محمد حسین فضل الله»، ش ۷، ۱۳۷۰.

- نشریه بینات، ایروانی، محمدرضا، «گفتگو با استاد محمد حسین فضل الله»، مؤسسه معارف امام رضا علیه السلام ش ۱۸، ۱۳۷۷.

- نشریه بینات، شریعتی، جواد، مؤسسه معارف امام رضا علیه السلام، ش ۱۹، ۱۳۷۷.

- نشریه پژوهش‌های قرآنی، شیوا پور، حامد، «من وحی القرآن تفسیر اجتماعی و واقع‌گرا نه»، انتشارات مشهد، حوزه علمیه قم، ش ۵۳، ۱۳۸۷.

- مجله حوزه، «مصاحبه با استاد محمد حسین فضل الله»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷.

- نرم افزار جامع تفاسیر نسخه ۲/۵.

- سایت <http://www.bayynat.ir>

